

## آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران

احمد احمدی\* - محسن رضایی\*\*

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۷)

### چکیده

جهانی شدن جرم، قواعد و اصول، صلاحیت و نهادهای دادرسی کیفری را با تغییر و تعدیل‌هایی مواجه کرده است. نظام حقوق کیفری ایران تحت تأثیر جهانی شدن جرم، اقدام‌هایی در گستره‌ی حقوق کیفری ماهوی شامل جرم‌انگاری‌های گسترده و پیش‌بینی تدابیر و پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری و حقوق کیفری شکلی شامل تغییر و تعدیل برخی اصول و قواعد حاکم بر آیین دادرسی کیفری، پیش‌بینی برخی نهادهای تخصصی رسیدگی‌کننده و حقوق متهمان و بزه‌دیدگان، انجام داده است. معکوس شدن اصل برائت، عدم شمول قاعده‌ی مرور زمان، نسبی شدن دادرسی علنی، دگرگونی در نظام ادله، افتراقی (استثنایی) شدن دادرسی کیفری، تخصصی شدن نهادهای رسیدگی‌کننده، اعطای اختیارات بیش‌ازحد به پلیس از جمله‌ی این تغییر و تحولات در گستره حقوق کیفری شکلی محسوب می‌شوند. در کنار تغییر و تحول اصول و قواعد مذکور، برخی قواعد خاص دیگر نیز مانند الزامی بودن اعلام جرم، رسیدگی خارج از نوبت، قطعیت احکام یا عدم تجدیدنظرخواهی، الزام به انتشار اسامی محکومان، حمل و تحویل تحت نظارت و غیره در ارتباط با جرم‌های جهانی وجود دارد که در این نوشتار، به جلوه‌های مهم این تغییر و تعدیل اصول و قواعد و آیین دادرسی اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن جرم، آیین دادرسی کیفری، نهادهای قضایی، صلاحیت.

\* استادیار رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد مهاباد

\*\* دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

## درآمد

جهانی شدن با فرض فرایند بودن یا پروژه یا پدیده بودنش<sup>۱</sup> در کنار آثار و تبعات مثبت فراوانی که در حوزه‌ها و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته، پیامدهای منفی در سطوح خرد و کلان به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین و چالش‌انگیزترین آثار پدیده‌ی جهانی شدن روابط اجتماعی دنیا، پیدایش اعمال و اقدام‌های مجرمانه‌ی جهانی است، بدین گونه که آثار برخی اعمال مجرمانه از سطح مرزهای ملی فرا رفته و گستره‌ی جهانی یافته است.

بنابراین، تحت تأثیر پدیده‌ی جهانی شدن و آثار و پیامدهای آن، فرصت‌های تازه‌ای برای بزهداران پدید آمده و اشکال نوینی از بزهداری ظهور و توسعه یافته که تهدیدی برای صلح، امنیت، ثبات و توسعه‌ی پایدار جامعه‌ی بشری به‌شمار می‌آیند و علاوه بر ایجاد ناامنی در سطح ملی، تهدیدی علیه امنیت جهانی نیز محسوب می‌شوند. تحول اشکال بزهداری و رفتارهای مجرمانه به‌ویژه بزهداری سازمان‌یافته‌ی فراملی، فساد مالی، قاچاق، تروریسم، بزهداری رایانه‌ای و محیط‌زیست، ضرورت ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و تشدید مداخله‌ی نظام کیفری در سطوح ملی و فراملی را بیش‌ازپیش مطرح ساخته و مقابله و رویارویی با پدیده‌ی جنایی را ایجاب می‌کند. به دیگر سخن، آثار و تبعات منفی جرم‌های جهانی که عمیقاً بر اقتصاد، سیاست و امنیت ملی و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، سبب شده نوعی دغدغه و هم‌گرایی جهانی در راستای مقابله با آن صورت پذیرد.

نظام‌های حقوق کیفری ملی با جهانی شدن معضل جرم، تدابیر متعددی در جهت مهار و مبارزه با آن پیش‌بینی نموده‌اند. تغییر رویکرد و استراتژی‌های نظام‌های ملی در پرتو جهانی شدن جرم در

۱. جهانی شدن به‌عنوان فرایند، محصول پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی دهه‌های آخر سده‌ی بیستم است. به‌عبارت‌دیگر، پیدایش وسایل ارتباطی مانند تلفن، ماهواره، اینترنت و غیره، زمینه‌ساز تحقق جهانی شدن به‌عنوان پروسه (فرایند) محسوب می‌شوند که انسان سده‌ی بیست و یکم آن را تجربه می‌کند.

جهانی شدن به‌عنوان پروژه را آمریکایی‌سازی و غربی‌سازی می‌دانند که از طریق این پروژه درصدد سلطه‌ی فرهنگ خود بر دیگر جوامع و تاراج منابع جهان سوم است. سومین برداشت از جهانی شدن، به‌عنوان یک فرآیند بی‌طرفانه یا طرح تعمدی نیست، بلکه پدیده‌ای ساخت بشر است که برداشت یک‌سویه از آن به پروسه یا پروژه مانع فهم، تبدیل می‌شود. از این برداشت استفاده می‌شود که در هزاره‌ی جدید، جهان به جامعه‌ای تبدیل شده که به‌صورت شبکه‌ای منسجم و خود بنیاد، همواره در مسیر «شدن» است. به‌عبارتی‌دیگر، پدیده و فرصت نوظهور نه مطلقاً پیش‌اندیشیده است که بتوان پروژه نامیده و نه بدون اطلاع جهانیان به‌ویژه کارگزاران اطلاعات بوده که بتوان آن را پروسه نامید (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: رابرتسون، رونالد، جهانی-شدن-تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران، انتشارات ثالث، ۱۳۸۰، ص ۱۲؛ نصیری، قدیر، در جستجوی جهانی شدن، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۱۳، ۱۳۸۰: ۲۸۹ و بعد؛ و

Waltz, K. Globalization and governance, in political science and politics, no 233, December 1999, p.3, Available at: [Http://Journals.Combridge.org](http://Journals.Combridge.org).

اغلب موارد منجر به امنیتی‌شدن حقوق کیفری، جرم‌انگاری‌های افراطی و ابهام‌آمیز و تهدید و تحدید حقوق و آزادی‌های بشر می‌شود. نظام حقوق کیفری ایران از این قاعده مستثنا نبوده و تحت تأثیر جهانی‌شدن جرم، اقدام‌هایی در گستره‌ی حقوق کیفری ماهوی شامل جرم‌انگاری‌های گسترده و پیش‌بینی تدابیر و پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری و حقوق کیفری شکلی شامل تغییر و تعدیل برخی اصول و قواعد حاکم بر آیین دادرسی کیفری، پیش‌بینی برخی نهادهای تخصصی رسیدگی‌کننده و حقوق متهمان و بزه‌دیدگان، انجام داده است.

قواعد آیین دادرسی کیفری در تدوین سیاست جنایی سنجیده‌ی تقنینی جایگاه بسیار بااهمیت و درعین حال هنوز ناشناخته‌ای به خود اختصاص می‌دهد. ممکن است این قواعد در جهت تأمین و حمایت بهتر از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه به‌کار گرفته شود یا خود به ابزاری شکلی در راستای تأمین هدف سرکوبگری حقوق جزا تبدیل گردد و از این طریق سهمی خاص در امر مبارزه با رفتارهای مجرمانه بر عهده گیرد. از این رو، سازمان‌دهی و تنظیم مقررات آن، نیازمند دقت و گزینش انتخاب‌های اساسی و مهم است. تنظیم قواعد دادرسی کیفری دارای چنان جایگاهی مهم است که بسیاری از کشورهای اروپایی مانند فرانسه در دهه‌های اخیر، بارها اصلاحات تقنینی گسترده با استفاده از تجارب سایر کشورها در مقررات آیین دادرسی کیفری خود اعمال کرده‌اند.<sup>۱</sup> سمت‌وسوی کلی ناظر بر این اصلاحات را می‌توان حمایت شایسته و سنجیده از حقوق و آزادی‌های شهروندی در تمامی مراحل دادرسی اعلام کرد. در واقع تلاش متولیان سیاست جنایی کشورها در جهت توسعه‌ی تضمینات دادرسی مبتنی بر این رویکرد بوده که تأمین امنیت و زوال ترس ناشی از ارتکاب جرم در اجتماع نیز تنها با تأمین دادرسی معقول و منطقی به همراه تضمین سایر حقوق و آزادی‌های تمامی افراد اجتماع به‌دست می‌آید.

با وجود این، قواعد دادرسی ناظر بر جرم‌های جهانی اهداف دیگری نیز دنبال کرده است. ارتباط نزدیک این‌گونه جرم‌ها با مسئله‌ی حاکمیت ملی و نظم عمومی، دغدغه‌ی قانون‌گذاران در زمینه‌ی رعایت تضمینات دادرسی را تا حد زیادی از میان برده است. از این رو به‌موازات آن که اصلاحات قواعد دادرسی در سایر جرم‌ها در راستای گسترش تضمینات قرار داشته، هدف اصلی در زمینه‌ی جرم‌های جهانی، تحدید تضمینات دادرسی بوده است.

جهانی‌شدن جرم، قواعد و اصول، صلاحیت و نهادهای دادرسی کیفری را با تغییر و

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مجیدی، سید محمود، جلوه‌های ظهور کیفری امنیت‌مدار در فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸، صص ۳۴۴-۳۲۷؛ و بوریکان، ژان، تحولات اخیر سیاست جنایی فرانسه، ترجمه ناصر علی منصوریان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۱۹۳.

تعدیل‌هایی مواجه کرده است. معکوس شدن اصل برائت، عدم شمول قاعده‌ی مرور زمان، نسبی شدن دادرسی علنی، دگرگونی در نظام ادله، افتراقی (استثنایی) شدن دادرسی کیفری، تخصصی شدن نهادهای رسیدگی‌کننده، اعطای اختیارات بیش‌ازحد به پلیس از جمله‌ی این تحولات محسوب می‌شوند. در کنار تحول اصول و قواعد مذکور، برخی قواعد خاص دیگر نیز مانند الزامی بودن اعلام جرم<sup>۱</sup>، رسیدگی خارج از نوبت، قطعیت احکام یا عدم تجدیدنظرخواهی، الزام به انتشار اسامی محکومان، حمل و تحویل تحت نظارت<sup>۲</sup> و غیره در ارتباط با جرم‌های جهانی وجود دارد که در این نوشتار، به جلوه‌های مهم این تغییر و تعدیل اصول و قواعد و آیین دادرسی اشاره می‌شود.

### گفتار نخست - دگرگونی‌های ناظر بر اصول و قواعد دادرسی کیفری

در این گفتار، مهم‌ترین جلوه‌های تغییر و تحول اصول و قواعد دادرسی کیفری که در گذر جهانی شدن جرم ظهور یافته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### الف) تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت

معکوس شدن بار اثبات دلیل یا تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت، یکی از آثار جهانی شدن جرم در دنیای معاصر است. به عبارت دیگر، امروزه یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری به دلیل تبعات منفی و پیچیدگی ارتکاب و کشف و اثبات مشکل جرم‌های جهانی از سوی سیاست‌گذاران جنایی نقض می‌شود. اصل برائت اصطلاحی ترکیبی است که از آن معنای خاصی مراد است. «اصل» در اصطلاح اصولیون به معنای حکم مجهول برای فردی که دچار تردید است و جهت کشف برای او وجود ندارد. اصل مانند اماره حکمی ظاهری است که مربوط به حالت جهل به واقع است (مشکینی ۱۳۷۶: ۵۶)، لیکن در اصطلاح حقوقی، «اصل» به معنای استنباط حقوقی و قانونی یا حدس قانونی که واقعی و وجود دارد است. اماره عبارت است از هر چیزی که متعلق خودش را ثابت کند، ولی به درجه و مرحله قطع و یقین نرسد.

بنای اصل برائت، اوضاع و احوال موجود و استنباط عقلی از اوضاع و احوال است. در مواردی که این اوضاع و احوال به نحو دیگری باشد، اصل برائت کارایی خود را از دست می‌دهد و بار اثبات از دوش مدعی برداشته می‌شود و بر دوش مدعی علیه یا متهم قرار می‌گیرد. قانون‌گذار،

۱. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: نجفی توانا، علی و فدایی، حسن، الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه‌ی فقه و حقوق، شماره‌ی ۱۹، ۱۳۸۷: ۱۸۲-۱۶۵.

ضمن آنکه به حکم اوضاع و احوال و عقل، اصل را بر براءت قرار داده و مدعی را مکلف به اثبات ادعای خود می‌داند، در برخی موارد به حکم همین اوضاع و احوال، بار اثبات را معکوس می‌کند و بار اثبات را بر عهده مدعی علیه یا متهم قرار می‌دهد. عدول از اصل براءت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی خواهد شد و به این طریق اصل براءت نسبت به متهم محدودش شده و در نتیجه به رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود. نمونه بارز توسل به روش استثنایی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد قتل مشکوک موجب لوث می‌توان یافت. لوث در مواردی مطرح می‌شود که به رغم عدم وجود یکی از ادله عادی اثبات قتل از قبیل اقرار و شهادت، قراین و امارات ظن آور و غیرمتعارضی وجود داشته باشد که دلالت بر تحقق قتل توسط متهم کند و حاکم با توجه به این قراین و امارات به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند. در چنین مواردی حاکمیت اصل براءت نسبت به متهم زایل می‌شود و این متهم است که باید برای تبرئه خود بینه اقامه کند و در صورت عدم اقامه بینه، قسامه که از روش‌های استثنایی اثبات جرم است، اعمال می‌شود (مواد ۳۱۴، ۳۱۷ و ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). آنچه موجب تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل براءت و در نتیجه، معکوس شدن بار دلیل از دادستان به متهم می‌شود، وضعیت ویژه‌ای است که در جرم‌های جهانی وجود دارد.

به عبارت دیگر، امروزه در بعضی جرم‌ها نظیر جرم‌های تروریستی، سازمان یافته و اقتصادی به دلیل پیچیدگی‌های این رفتارهای مجرمانه، سازمان یافتگی و تشکیلات منسجمی که این دسته از بزه‌کاران دارند و برای این که نظام عدالت کیفری مستأصل نشود و بتواند برخورد مناسبی با این دسته از مجرمان داشته باشد، استثنائاً به جای اصل براءت، اماره‌ی مجرمیت حاکم شده است.<sup>۱</sup> پس وقتی این گونه بزه‌کاران دستگیر می‌شوند، اصل بر مجرمیت است و او باید خلاف فرض را اثبات نماید؛ بنابراین، اگرچه در تمامی اتهاماتی که متوجه هر متهم می‌شود، دادستان باید با اقامه‌ی دلایل، توجه اتهام به متهم را اثبات کند ولی در جرم‌های جهانی به دلیل ماهیت و ساختار پیچیده‌ی آن‌ها، اقامه‌ی دلیل و اثبات چنین جرمی توسط دادستان بسیار مشکل و گاهی ناممکن می‌شود و همین امر، موجب تبرئه‌ی متهمان می‌گردد. نمونه‌ی بارز این جرم‌ها، پول-شویی است. مرتکبان جرم پول‌شویی برای مخفی نگه داشتن منشأ غیرقانونی درآمد ناشی از جرم، مراحل پیچیده‌ای را طی می‌کنند، به طوری که احراز ارتکاب جرم مقدم یا منشأ، بسیار

۱. رحمدل، منصور، بار اثبات در امور کیفری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۳.

مشکل می‌شود؛ بنابراین، در کنار دغدغه‌ی مهم فوق باید افزود که معکوس شدن بار اثبات در این گونه جرم‌ها، استثنا است و باید به قدر متیقن اکتفا شود.

علی‌رغم حاکم بودن اصل برائت در موارد شک و تردید، در آسناد معتبر و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی که جرم‌انگاری جرم‌های جهانی را مورد توجه قرار داده‌اند، از دولت‌های عضو معاهدات خواسته شده - برای نمونه، در اموالی که مظنون به درآمدهای ناشی از جرم هستند، اماره‌ی مجرمیت را ملاک بررسی و تحقیق قرار داده و اصل برائت را مانع ورود به تحقیق و بازپرسی از افراد مورد سوءظن، ندانند. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته‌ی فراملی (کنوانسیون پالمو) مصوب ۲۰۰۰، به عنوان یک سند جهانی از تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت صحبت کرده و سوءنیت مرتکبان جرم‌های جهانی را مفروض دانسته است. برای نمونه، ماده‌ی ۱۲ که مربوط به مصادره و توقیف درآمدهای ناشی از جرم است برای دولت‌های عضو مقرر داشته: «عواید حاصل از جرم یا اموال معادل آن‌ها و درآمدهای ناشی از آن را مصادره کنند» و در بند ۱۷ این ماده در ارتباط با اموال مشکوک، از مجرم درباره‌ی اصالت و مشروعیت درآمدهای مورد سوءظن و اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند که در صورت عدم کفایت توضیح متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال قابل ضبط و مصادره خواهد بود.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است، از منظر فقهی، اماره زمانی مقدم بر اصل می‌شود که آمارات موجب یقین و یا لاقفل، تشخیص باشند. از این رو، اماره‌ی مجرمیت نیز، زمانی مقدم بر اصل برائت می‌گردد که این اماره موجب تشخیص و ظن قوی باشد. در خصوص جرم‌های جهانی این امر پذیرفته شده است (اسعدی ۱۳۸۶: ۴۵۹-۴۵۶).

#### ب) عدم شمول قاعده‌ی مرور زمان

پذیرش یا عدم پذیرش مرور زمان همانند اغلب مباحث علوم اجتماعی و انسانی چالش‌های بسیاری داشته است به گونه‌ای که سیستم‌های مختلف حقوقی در هر دوره‌ای متناسب با ساختار حاکمیت با این قاعده برخورد متفاوت داشته‌اند. برخی از سیستم‌ها، مرور زمان را به طور مطلق پذیرفته و برخی با آن مخالفت کرده و عده‌ای هم راه‌حل بینابین برگزیده‌اند (آشوری ۱۳۸۰، نخست، ۱۸۴-۱۸۲).

۱. در حقوق کیفری فرانسه نیز، قانون ۱۳ ماه می ۱۹۹۶ اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت مقدم شمرده شده است. بند ۱ ماده‌ی ۳۹-۲۲۲ از قانون مذکور مقرر می‌دارد: «اگر شخص نتواند منشأ مالی منطبق با طرز زندگی خود را در عین داشتن روابط معمولی با یک یا چند نفر که مواد مخدر مصرف می‌کنند یا در خرید و فروش مواد مخدر دست دارند یا سرمایه‌های نامشروع را پاک‌سازی می‌نمایند، توجیه کند، به حبس به مدت پنج سال و پانصد هزار فرانک جریمه محکوم می‌شود.»

«در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل، نظریه‌ی حقوقی معاصر، بیشتر بر ماهیت و اهمیت خاص جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت پافشاری می‌کند و از این موضوع نتیجه می‌گیرد که وقتی پای اعمال خلاف حقوق طبیعی، عرف بین‌الملل و اصول کلی حقوق کیفری که ملل متمدن آن را شناخته‌اند در میان باشد، مرور زمان نمی‌تواند هیچ‌گونه نقشی در این میان بازی کند» (همان، ۱۸۵). در گستره‌ی بین‌المللی در اسناد و مدارک بین‌المللی از جمله معاهدات مهم حقوق بشری، موضوع مرور زمان مسکوت گذاشته شده است. در مقررات راجع به محاکم نورنبرگ و توکیو نیز هیچ اشاره‌ای به این نهاد حقوق کیفری نشده بود. همچنین، در اساسنامه‌ی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و نیز، قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ذکری از مرور زمان نیامده است (میرمحمد صادقی ۱۳۸۳: ۲۳۴ و بعد).

بحث عدم پذیرش مرور زمان در جنایات بین‌المللی از سال ۱۹۶۰ آغاز شد و نخستین بار در کنوانسیون عدم پذیرش مرور زمان نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت مصوب ۱۹۷۵ نمود پیدا کرد (Schabas 1998: 103) و سپس در برخی از کنوانسیون‌های اروپایی نظیر کنوانسیون اروپایی عدم اعمال مرور زمان نسبت به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی مصوب ۱۹۷۴ وارد گردید. این دو کنوانسیون صریحاً عدم شمول مرور زمان را نسبت به جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت اعلام می‌دارند؛ اما شعاع عمل آن‌ها در نظام بین‌المللی به دلیل نبود ابزار کافی برای مجازات این جنایات از نظر حقوقی محدود بود. به علاوه، جز تعداد محدودی از کشورها بقیه به دلایل مختلف از امضا و تصویب این کنوانسیون‌ها خودداری نمودند. تا این که ماده‌ی ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به صراحت این موضوع را مورد توجه قرار داده و مقرر داشت: «جنایت‌های داخل در صلاحیت دیوان مشمول هیچ‌یک از مقررات مرور زمان نخواهد بود.» با تصویب این ماده، دیوان بر خاصیت عرف بین‌المللی (مورد موافقت جامعه‌ی جهانی) بودن قاعده‌ی مرور زمان صحنه گذاشته و سبب جبران نقایص و قصور معاهدات بین‌المللی و رویه‌ی عملی دولت‌ها در خصوص عدم پذیرش این قاعده گردید. همچنین، بند ۸ ماده‌ی ۳ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان مقرر داشته است که «هر یک از اعضا در صورت اقتضا تحت حقوق داخلی خود یک دوره‌ی مرور زمان طولانی را برای شروع اقدامات قانون نسبت به هر یک از جرایم موضوع بند ۱ این ماده و دوره‌ی طولانی‌تری را، در صورتی که متهم از چنگال عدالت گریخته باشد، مقرر خواهد نمود.» و ماده‌ی ۲۹ کنوانسیون مریدا، تحت عنوان «قاعده‌ی مرور زمان» نیز، در این خصوص بیان داشته است: «هر کشور عضو در صورت اقتضا طبق قانون داخلی خود، قاعده‌ی مرور زمان طولانی را

برقرار خواهد نمود که در دادرسی‌های هر جرم احراز شده طبق این کنوانسیون را آغاز نماید و در صورتی که مجرم از اجرای عدالت گریخته باشد، قاعده‌ی مرور زمان طولانی‌تر را برقرار یا تعلیق قاعده‌ی مرور زمان را پیش‌بینی خواهد کرد.<sup>۱</sup> ملاحظه می‌شود که رویکرد دو سند مذکور، به نوعی عدم پذیرش مرور زمان - مرور زمان طولانی - را مورد تأیید قرار داده است.

قانون‌گذار ایران بعد از پیروزی انقلاب به دلیل ایرادهای شرعی، نهاد مرور زمان را به‌طور کلی از مجموعه قواعد و مقررات حذف نمود. نهاد مرور زمان دوباره در سال ۱۳۷۸ در قالب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری احیا گردید لیکن این بار قلمرو آن محدود به جرم‌های مشمول مجازات‌های بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی شد (مواد ۱۷۶-۱۷۳). شایان ذکر است، علی‌رغم احیای مرور زمان، این بار ابهام در تفکیک جرم‌های مشمول مجازات‌های تعزیری و بازدارنده دامن‌گیر مجریان قانون گردید. به‌هر حال، قانون‌گذار ایران در تدوین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این مهم را با دقت و ظرافت بیشتری مورد توجه قرار داده است و تا حد زیادی دایره‌ی اعمال آن را مشخص نموده است.<sup>۱</sup> حتی در خصوص برخی از جرم‌های جهانی نیز به‌صراحت در ماده‌ی ۱۰۹ مقرر می‌دارد: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرا مجازات نخواهد شد: ۱. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ ۲. جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده؛ ۳. جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر». همچنین، مطابق تبصره‌ی ماده‌ی ۳۶ جرم‌هایی نظیر ارتشا، قاچاق کالا، پول‌شویی، اختلال در نظام اقتصادی کشور و غیره از شمول مرور زمان خارج شده‌اند.

بدین سان، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جرم‌های جهانی به‌سبب آثار و تبعات منفی آن‌ها چه در اسناد فراملی و چه در قوانین و مقررات ملی، نهاد مرور زمان نسبت به آن‌ها اعمال نمی‌شود.

### ج) علنی بودن نسبی دادرسی

علنی بودن دادرسی از نشانه‌های مهم دادرسی عادلانه و به‌معنای این است که افکار عمومی در جریان محاکمات کیفری قرار گیرند. علنی بودن دادرسی موجب منصفانه شدن دادرسی‌ها می‌شود. «بدین ترتیب، شفافیت در اعمال عدالت و نمایان ساختن آن از نتایج مفید علنی بودن دادرسی است» (آشوری، بشیریه و یزدی، ۱۳۸۳، ۳۴۴). حق بر دادرسی علنی در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده‌ی ۱۰)،

۱. مواد ۱۱۳-۱۰۵ از مبحث ۴ از فصل ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲



میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده‌ی ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده‌ی ۶) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۵ ماده‌ی ۸) از این جمله‌اند. اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران هم این مهم را مورد توجه قرار داده است. بدین‌سان، اصل علنی بودن، به حقوق و منافع افراد و جامعه مربوط می‌شود. منافع و مصالح اصحاب دعوا، متهم، قربانی و شهود و عموم مردم در این شرط است. موازنه‌ی میان این منافع با عمومیت و اطلاق این اصل سازگار نمی‌آید، بلکه تأمین چنین موازنه‌ای که نتیجه‌ی یک فرآیند قضایی منصفانه باید باشد، مستلزم محدودیت‌ها و استثناهایی بر این اصل است (Delmas-marty & Spencer 2002: 550). از این‌رو، اصل علنی بودن در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر اغلب به همراه استثناهایی آمده است.

اصل علنی بودن در تقابل با جرم‌های جهانی، رنگ و بوی دیگری گرفته است. به عبارتی، در رسیدگی به جرم‌های جهانی، اصل بر غیرعلنی بودن و در نتیجه، مخدوش شدن دادرسی منصفانه است. شاهد مثال، محاکماتی است که کمیسیون‌های نظامی آمریکا نسبت به مظنونان جرم‌های تروریستی برگزار نموده‌اند (Becker 2004: 847-849).

اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی هم ضمن اشاره به علنی بودن دادرسی‌ها و حفظ حقوق متهم و منصفانه و بی‌طرفانه بودن دادرسی‌ها (بند ۱ ماده‌ی ۶۷)، به دیوان اجازه می‌دهد به‌عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن دادرسی دستور دهد بخشی از رسیدگی‌ها به صورت غیرعلنی برگزار شود و اجازه دهد که اظهارات به کمک وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل خاص ثبت و ضبط شود، به‌ویژه در مورد بزه‌دیده‌ی خشونت جنسی یا کودکی که بزه‌دیده یا شاهد بوده است (بند ۲ ماده‌ی ۶۸). همچنین، بند ۱ ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن پذیرش اصل علنی بودن دادرسی‌های کیفری و ارج نهادن به آن قبول کرده است که تصمیم به سرّی بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی‌های جزایی، خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی بلامانع است.

در گستره‌ی مقررات ملی، اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲<sup>۱</sup>/۱۲/۰۴ با مضمونی مشابه، ضمن اشاره به این که «محاکمات، علنی انجام

۱. ماده ۳۵۲: محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب- علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

می‌شود»، استثنای اصل علنی بودن را شامل «منافی عفت عمومی بودن»، «منافی امنیت یا نظم عمومی بودن» و «تقاضای طرفین دعوا در دعاوی خصوصی» دانسته‌اند.

#### د) دگرگونی نظام ادله‌ی اثبات

یکی از مباحث عمده پیرامون جرم‌های جهانی، اصول و قواعد حاکم بر نحوه‌ی کسب ادله‌ی اثبات است که عبارت‌اند از اصل برائت، اصل آزادی تحصیل دلیل یا نظام دلایل آزاد و اصل مشروعیت شیوه‌ی تحصیل دلیل. در جوامع امروزی که اجتماع حیات خود را در مخاطره با جرایم پیچیده و سازمان‌یافته می‌بیند و از حقوق کیفری «شهروندمدار» به سمت حقوق کیفری «دشمن‌مدار» گام برمی‌دارد (أتنف ۱۳۸۳: ۳۱۹) و به برقراری نظم و احیای امنیت در جامعه بیشتر از اجرای عدالت جلب توجه می‌نماید، این اهمیت و شدت جرم ارتكابی است که تناسب شیوه‌ی تحصیل دلیل و مشروعیت آن را تعریف و تبیین می‌کند. بدین‌سان، گاه توجه به امنیت در اجتماع به واسطه‌ی شدت و اهمیت جرایم، باعث می‌شود که در وهله‌ی نخست، حقوق افراد در اجتماع در معرض خطر قرار گیرد و در وهله‌ی دوم، از اصول و قواعد پذیرفته‌شده در فرآیند دادرسی عدول گردد.

معکوس شدن بار اثبات دلیل -به شرح پیش‌گفته، یکی از موارد تغییر در اصول حاکم بر ادله است که در جرم‌های جهانی اتفاق می‌افتد. همچنین، تعرض به حریم خصوصی در راستای اصل آزادی تحصیل دلیل، سازوکاری است که در جهت کسب ادله در جرم‌های جهانی از سوی مجریان قانون صورت می‌گیرد. نظارت الکترونیکی یکی از شیوه‌های جمع‌آوری دلایل در جرم‌های جهانی است (بند الف ماده‌ی ۵۰ کنوانسیون مریدا) که به نظر می‌رسد به نوعی تعرض به حریم خصوصی افراد است. تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در این باره مقرر داشته است که: «کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.» همچنین به موجب ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد»<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد اغلب جرم‌های جهانی به نوعی به امنیت کشور لطمه وارد می‌نمایند، بنابراین در این موارد به تشخیص مقام قضایی صالح امکان ضبط

۱. ماده ۱۵۰: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نیست.

و شنود تلفن و مکالمات افراد وجود دارد. درحالی که رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل با این گونه اقدامها در تعارض قرار می‌گیرد.

تحصیل دلیل در جرم‌های جهانی از طریق به‌کارگیری مٌخبران شیوهی دیگری است که اصل مشروعیت تحصیل دلیل را خدشه‌دار می‌نماید (مهدوی پور ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۱). شایستگی و صلاحیت مٌخبران در تحصیل دلیل -به‌ویژه در مواردی که خود، جزو مرتکبان جرایم شدید بوده‌اند- سؤالات اخلاقی پیچیده‌ای را مطرح می‌کند و ممکن است فرآیند دادرسی را از حالت منصفانه بودن خارج نماید. به همان ترتیب، این ابهام در مشروعیت دلایلی که از طریق دام-گستری تحصیل می‌گردد، وجود دارد.

شهادت شهود یکی دیگر از ادله اثبات جرم است که درگذر جرم‌های جهانی با تغییر و تحولاتی مواجه شده است. حمایت از شهود یکی از تدابیر ضروری برای مبارزه علیه جرم‌های جهانی است. کشورها می‌توانند برای حفظ جان شهود اصلاحات شکلی از نوع مقرر در ماده‌ی ۲۴ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته‌ی فراملی<sup>۱</sup> و نیز بند ۱ ماده‌ی ۳۲ کنوانسیون مریدا را لحاظ کنند از قبیل پیش‌بینی قواعد مربوط به ادله که اجازه دهند شهادت شاهد به روشی که سلامت جان او را تضمین کند ارائه گردد. برای نمونه، اقامه‌ی شهادت از طریق فناوری ارتباطات مانند رابط‌های ویدئویی یا سایر روش‌ها و وسایل مناسب صورت گیرد. عدم افشای هویت شاهد برای متهم اگرچه می‌تواند به‌حق دفاع متهم لطمه وارد سازد، اما در جرم‌های جهانی به‌دلیل تبعات منفی آن‌ها و نیز خطرناک بودن مرتکبان استثنائاً موردپذیرش واقع شده است. ماده‌ی ۱۸۶ قانون جدید مجازات اسلامی<sup>۲</sup> نیز با الهام از کنوانسیون‌های مزبور،

۱. ماده ۲۴: حمایت از شهود: «۱- تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای حمایت مؤثر از شهودی که در جریان دادرسی کیفری راجع به جرایم موضوع این کنوانسیون شهادت می‌دهند و برحسب اقتضاء از خویشاوندان و سایر نزدیکان آنان، در برابر انتقام‌جویی یا ارعاب احتمالی، تدابیر مناسب اتخاذ خواهند نمود؛ ۲- تدابیر پیش‌بینی شده در بند (۱) این ماده، علاوه بر سایر موارد، ممکن است، بدون آن که به حقوق متهم از جمله حق برخورداری از دادرسی منصفانه خدشه وارد نماید، موارد زیر را نیز در برگیرد: (الف) وضع تشریفات لازم برای حفاظت جسمانی این افراد، مانند تا حدودی که لازم و عملی باشد، تغییر مکان و در صورت اقتضاء، اجازه افشاء یا تعیین حدود افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل زندگی این افراد؛ (ب) تدوین مقررات مربوط به ارائه شواهد و مستندات تا بدین ترتیب شهادت شهود به‌گونه‌ای ارائه شود که ایمنی آنان تضمین گردد، مانند دادن اجازه ادای شهادت با استفاده از فناوری ارتباطات، از قبیل ارتباطات ویدئویی یا سایر وسایل مناسب. ۳- کشورهای عضو، امکان انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی را با سایر کشورها در زمینه انتقال افراد به محل جدید مورد اشاره در بند (۱) این ماده، مدنظر قرار خواهند داد؛ ۴- مفاد این ماده در مورد قربانیان تنها در صورتی اعمال خواهد شد که این افراد یک شاهد محسوب شوند».

۲. ماده ۱۸۵: «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به‌صورت مکتوب، صوتی-تصویری زنده و یا ضبط‌شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است».

این شیوه ارائه‌ی شهادت را پیش‌بینی نموده است.

بنابراین، گاهی اوقات لازم است به منظور حفظ جان شهود و مطلعان روش‌های شکلی به رسمیت شناختن اظهارات پیش از محاکمه را لحاظ کنیم. در بیشتر کشورهای اروپایی، اظهارات قبل از محاکمه که توسط شهود و همیاران عدالت (مطلعان) ارائه می‌شوند در دادگاه به‌عنوان مدرکی معتبر به رسمیت شناخته می‌شوند، مشروط بر آن‌که طرفین، فرصت شرکت در بازپرسی از شهود را داشته باشند (دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد ۱۳۹۰: ۸۶).

### گفتار دوم- دگرگونی‌های ناظر بر نهادها، صلاحیت و آیین دادرسی جرم‌های جهانی

کنوانسیون مریدا به‌منزله‌ی یک سند جهانی بر تخصصی کردن نهادها و همچنین آموزش دیده کردن کنشگران عدالت کیفری در راستای مقابله‌ی مؤثر با جرم‌های جهانی تأکید دارد. برای نمونه، ماده‌ی ۳۶ این کنوانسیون در رابطه با جرم فساد بیان می‌دارد: «مراجع تخصصی هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، وجود نهاد یا نهادها یا افراد متخصص در مبارزه با فساد از طریق اجرای قانون را تضمین خواهد نمود. طبق اصول اساسی نظام کشور به عضو چنین نهاد یا نهادها یا افرادی، استقلال لازم اعطا خواهد شد تا بتوانند به نحو مؤثر و بدون نفوذ نامعقول، وظایف خود را انجام دهند. چنین افراد یا کارکنان چنین نهاد یا نهادهایی باید از آموزش و منابع مناسب برخوردار باشند تا بتوانند وظایف خود را انجام دهند.» تخصصی شدن نهادها و مأموران نظام عدالت کیفری، صلاحیت و آیین ویژه‌ی رسیدگی به جرم‌های جهانی موضوع گفتار حاضر را تشکیل می‌دهند.

### الف) تخصصی کردن نهادهای عدالت کیفری

قانون‌گذار ایران برای رسیدگی به همه‌ی جرم‌های جهانی، شیوه‌ی رسیدگی خاصی را پیش‌بینی نکرده است و اغلب این جرم‌ها همانند جرم‌های دیگر و تحت تشریفات معمول آیین دادرسی کیفری در مورد جرم‌های عادی قابل‌رسیدگی است. باوجوداین، در مورد برخی از جرم‌ها در خصوص تشکیلات و آیین دادرسی اقدام‌هایی صورت گرفته است. برای نمونه، قواعد مربوط به آیین دادرسی جرم‌های علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه، بغی، مواد مخدر و... با آیین دادرسی جرم‌های دیگر متفاوت است؛ این تفاوت‌ها را می‌توان در واگذاری صلاحیت رسیدگی به جرم‌های مواد مخدر به دادگاه اختصاصی انقلاب (ماده ۳۰۳ قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴<sup>۱</sup>، وجود مقررات خاص در مورد قرارهای تأمین (قرار تأمین در این مورد شدیدتر - غیرقابل تبدیل به قرار دیگر - از سایر جرم‌ها است ماده‌ی ۱۷ لایحه‌ی قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان مصوب ۱۳۵۹ و نیز اصلاحیه‌های مربوط به مبارزه با مواد مخدر)، ملاحظه کرد (رحمدل ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۴۲). همچنین، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ در مورد برخی از این جرم‌ها، متفاوت عمل نموده است. لیکن باید اذعان کرد که مبارزه‌ی مؤثر با این جرم‌ها به جهت ماهیت پیچیده و ابعاد گسترده‌ی آن‌ها مستلزم برخورد و نگاهی افتراقی به آن‌ها همچون تخصیص نهادی ویژه و تخصصی در رسیدگی و قضات و مأموران آموزش دیده است. در این بند، برخی نهادهایی که در راستای رسیدگی تخصصی و ویژه به جرم‌های جهانی چه در مرحله‌ی کشف و تعقیب و تحقیق و چه در مرحله‌ی دادرسی به وجود آمده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۱. مدرن‌سازی نهاد پلیس

پلیس به منزله‌ی بازوی اجرای عدالت کیفری، نقش پررنگی در مبارزه‌ی با جرم‌ها ایفا می‌کند. مظاهر جدید بزه‌کاری که به بزه‌کاری سنتی علیه اشخاص و اموال و اخلاق اضافه می‌شوند، اغلب عدم انطباق وسایل و امکانات پلیس و قوانین کیفری را با نیازهای روز آشکار کرده‌اند. به همین دلیل، در بعضی کشورها بازنگری این قوانین و نیز، استقرار برنامه‌های مدرن‌سازی پلیس در دستور کار قرار گرفته است. بدین‌سان، تحول رویدادهای اجتماعی، در طول دهه‌های گذشته، جهانی‌شدن پلیس را رقم زده است (پیکا ۱۳۹۰: ۱۱۰). عامل نخست را باید در تحول و توسعه‌ی معنادر مظاهر بزه‌کاری ناشی از تغییرات اجتماعی و فناوری‌های نوین مانند بزه‌کاری سایبری و بزه‌کاری اقتصادی و مالی با خصایص پیچیده و شعبه‌های بین‌المللی و بزه‌کاری سازمان‌یافته با اشکال مختلف ملی و فراملی جستجو کرد؛ عامل دوم را می‌توان افزایش تقاضای امنیت که نتیجه‌ی آن، ایجاد یک بازار حقیقی امنیت خصوصی بود، دانست (همان ۱۱۱)؛ بنابراین، ضرورت مبارزه‌ی مؤثرتر علیه چالش‌های نوین بزه‌کاری و توسعه‌ی بازار امنیت خصوصی نوعی عامل

۱. ماده ۳۰۳: به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به‌منظور مقابله با نظام؛ ب - توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛ پ - تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل؛ ت - سایر مواردی که به‌موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

محرك در مدرن‌سازی نهاد پلیس محسوب می‌شود.

باید افزود که آورده‌های علمی و فناوری‌هایی که به‌دنبال مدرن‌سازی پلیس هستند بسیار متنوع‌اند، ولی وجه مشترک همه‌ی آن‌ها مساعد کردن امکان شناسایی و تشخیص بزه‌کاران، جمع‌آوری دلایل و به‌طور کلی، گسترده کردن وسایل اقدام پلیس است. از این‌رو، پلیس باید در ابعاد ملی، بین‌المللی و منطقه‌ای به بعضی داده‌های فناورانه مجهز باشد. تأسیس سامانه‌ی اطلاعات شنگین پلیس اتحادیه‌ی اروپا (یورپول)<sup>۱</sup> از پیامدهای پیچیده شدن شکل و شیوه‌ی بزه‌کاری و نیز فراملی-شدن آن است. در چارچوب این سامانه - که یک سامانه‌ی مشترک اطلاعات بین دولت‌های امضاکننده است، حق مراقبت و تعقیب فرامرزی که به واحدهای پلیس، در جریان تحقیقات یا تعقیب مجرم اجازه‌ی ورود به کشور همسایه را بدهد، پیش‌بینی شده است. همچنین، اینترپل، مدرن‌ترین ساختار در زمینه‌ی ارتباطات و انفورماتیک و فضای سایبری، در سطح بین‌المللی را در اختیار دارد. اینترپل یک سامانه‌ی جستجوی خودکار در اختیار دارد که به پلیس بیش از ۱۷۶ کشور عضو اجازه می‌دهد تا از پایگاه داده‌های حاوی اطلاعات گزینش‌شده‌ی مربوط به حدود صد هزار مجرم بین‌المللی به‌طور مستقیم استفاده کنند.

در نظام حقوقی ایران هم استفاده از داده‌های نوین فناوری در مبارزه با جرم‌ها استفاده می‌شود و سیاست‌گذاران کیفری این مهم را مورد توجه قرار داده‌اند. دفتر اینترپل تهران به‌عنوان شاخه‌ای از پلیس اینترپل از آخرین دست‌آوردها و تکنولوژی‌های نوین مبارزه با جرم‌های جهانی به مدد سامانه‌های اینترپل بهره می‌برد. همچنین، تأسیس پلیس تخصصی فضای سایبر در سال ۱۳۸۹<sup>۲</sup> گامی دیگر در جهت مدرن‌سازی پلیس ایران برای مقابله با جرم‌های جهانی به‌شمار می‌رود. به‌همین ترتیب، اعطای اختیارات به وزارت اطلاعات به‌ویژه در جرم‌های اقتصادی منجر به ظهور ضابطان ویژه (امنیتی) شده است. در بند «ب» ماده‌ی ۱۲۴ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب ۱۳۸۳ به وزارت اطلاعات در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی و بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴<sup>۳</sup> در مقام

۱. برای آگاهی بیشتر از ساختار و وظایف یورپول بنگرید به: <https://www.europol.europa.eu/>

۲. برای شرح و توضیح وظایف دفتر اینترپل تهران، بنگرید به: <http://www.cyberpolice.ir>

همچنین، در زمینه‌ی تدابیری که پلیس فتا می‌تواند در راستای مبارزه با جرم‌های سایبری اتخاذ نماید، بنگرید به: آقابابایی، حسین و عباسی، مراد، حریم خصوصی، فضای مجازی و چالش‌های پیش‌گیرانه فراروی ناجا، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره‌ی ۱۷، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۰.

۳. ماده ۲۹ بند ب: ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه

ضابط قوهی قضائیه اختیار داده شده است. همین طور طبق مادهی ۳۲ آیین نامه‌ی اجرایی قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۹، وزارت اطلاعات مسئول امر مبارزه با قاچاق ارز بوده و با همکاری سازمان‌های ذی ربط اقدام‌های لازم را به عمل خواهد آورد. مادهی ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ هم به این موضوع اشاره دارد. نکته‌ی قابل ذکر در مواد پیش گفته این است که فعالیت وزارت اطلاعات به عنوان ضابط خاص در این دسته از جرم‌ها، به نوعی رویکرد امنیتی را در این زمینه رقم زده است. همچنین، در خصوص جرم‌های زیست محیطی، مأموران سازمان حفظ محیط زیست به عنوان ضابطان ویژه این گونه جرم‌ها محسوب می شوند (مادهی ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست).

به هر حال، امروزه پلیسی که به فناوری‌های مدرن به ویژه در ارتباط با جرم‌های جهانی متوسل نشود، به دشواری قابل تصور است. کاربرد نوآوری‌های فنی نه تنها بر طرز کار و عملکرد پلیس و نتایج آن، بلکه بر تصویر پلیس نزد مردم و افکار عمومی نیز تأثیر می گذارد.<sup>۱</sup>

## ۲. دادسراها و دادگاه‌های تخصصی

در زمینه‌ی مبارزه‌ی مؤثرتر با جرم‌های جهانی و نیز، کشف، تعقیب و تحقیق دقیق تر و متناسب با این گونه‌ی جرم‌ها، تشکیل دادسراها و دادگاه‌های تخصصی و ویژه با کادر متخصص از لوازم ضروری سیاست جنایی به حساب می آید. از این رو، قانون گذار ایران در مادهی ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات ۱۳۸۱ ضمن اشاره به این که «شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال» تخصیص می یابد، در مادهی ۴ آیین نامه‌ی قانون مذکور، به دادسراها و دادگاه‌های تخصصی در رابطه با تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرم‌های مربوط به مفاسد اجتماعی، جعل، کلاهبرداری، جرایم کارکنان دولت و غیره را مدنظر قرار داده است. تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری هم به این مهم توجه داشته و در خصوص جرم‌های جهانی نظیر جرم‌های رایانه‌ای و اقتصادی، ضرورت تشکیل این نهاد‌های تخصصی را پیش بینی نموده اند. به موجب مادهی ۲۵ این قانون: «به تشخیص رئیس قوهی قضائیه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرایم کارکنان دولت، اطفال و نوجوانان، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی

پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند.

۱. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: بل، سوزان، دانش نامه‌ی پلیس علمی، ترجمه‌ی مهدی نجابتی و علی شایان، تهران، انتشارات سمت ۱۳۸۹.

و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود.» همچنین، ماده‌ی ۷۵۸ قانون مجازات اسلامی (جرایم رایانه‌ای ضمیمه‌ی قانون مجازات اسلامی)، درباره‌ی اختصاص شعبی از دادسراها و دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر به رسیدگی به جرم‌های رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «قوه‌ی قضائیه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادسراها و دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای اختصاص دهد...» همان‌گونه که در ماده‌ی مذکور ملاحظه می‌شود قانون‌گذار به بحث تخصص‌گرایی در این زمینه اشاره نکرده و صرفاً به «اختصاص» شعبه‌ای از دادسرا یا دادگاه اکتفا می‌کند. با وجود این، ایراد عدم وجود دادسرا یا دادگاه تخصصی در این باره با تبصره‌ی ماده‌ی پیش‌گفته تا حدودی برطرف می‌گردد. به موجب این تبصره «قضات دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.»

بی‌تردید، کارایی و تأثیر نهادهای فوق، ضمن بهره‌مندی از کادر مجرب و متخصص که به‌طور متناوب باید آموزش‌های به‌روز در آن حوزه‌ها کسب نمایند، به تخصصی‌بودن این گونه نهادها - نه اختصاص شعبه یا شعبی از دادسرا یا دادگاه‌های عمومی - بستگی دارد.

### ب) آیین دادرسی و صلاحیت راجع به جرم‌های جهانی

در این بند، پس از بررسی تغییر و تحولاتی که در شیوه و تشریفات دادرسی کیفری به دلیل جهانی‌شدن جرم رخ داده است، به‌طور مختصر به بحث صلاحیت در گذر جرم‌های جهانی پرداخته می‌شود.

#### ۱. دگرگونی آیین و شیوه‌ی دادرسی

دگرگونی‌های اساسی که در شیوه و آیین دادرسی جرم‌های جهانی قابل توجه‌اند در دو مورد، عدم رعایت تشریفات و استثنایی (افتراقی) شدن آیین دادرسی کیفری قابل بررسی هستند.

##### ۱-۱. عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی؛ تسریع در رسیدگی

از زمانی که جرمی ارتکاب می‌یابد تا زمان صدور حکم مجازات و اجرای آن بر مرتکب، رعایت یک سلسله تشریفات و قواعد قانونی لازم است و بدون رعایت این تشریفات، رسیدگی به جرم امکان‌پذیر نیست. همچنین، یکی از شرایط مهم بهره‌مندی از حق دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعاوی و شکایات و صدور حکم و اجرای آن در «اسرع وقت» است. اهمیت این



امر از آن جهت است که چنانچه فرآیند کیفری بی‌هیچ دلیل موجه و قانونی دچار اطاله غیرطبیعی و غیرمنطقی شود به‌طور قطع بر اساس دادرسی عادلانه لطمه زده و آن را از هدف اصلی‌اش که تضمین حقوق اصحاب دعوا از یک طرف و حقوق جامعه از طرف دیگر است منحرف می‌سازد.

شایان ذکر است، در مزایا و ضرورت تسریع دادرسی کیفری میان متخصصان کیفری اختلاف نظر وجود ندارد. چنان‌که به اعتقاد سزار بکاریا حقوق‌دان ایتالیایی قرن هجدهم، آنچه جامعه را در قبال خطر تبه‌کاران بهتر صیانت خواهد نمود، وجود قواعدی است که بتواند در کشف سریع و فوری جرم و تعقیب و محکومیت حتمی و مسلم مجرم به مجازات مؤثر واقع شود. لیکن، منظور از تسریع در رسیدگی، شتاب و عجله در کار قضاوت نیست، بلکه منظور این است که «تا حد امکان دادرسی گام سریعی بدون این که حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع او و نظم قضایی صدمه وارد آید، برداشته شود» (خزانی ۱۳۷۷: ۱۴۵).

عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی کیفری در رسیدگی به جرم‌های جهانی به جهت تسریع فرآیند رسیدگی و محکوم و مجازات کردن مرتکبان این‌گونه جرم‌ها صورت می‌پذیرد. چراکه، جرم‌های جهانی به دلیل آثار و تبعات سنگینی که برای جامعه به‌طور کلی و بزه‌دیدگان به‌طور خاص در بر دارد و نیز، به جهت حفظ اعتماد عمومی به دولت‌ها در تأمین و تضمین نظم و آرامش عمومی، مستلزم رسیدگی سریع می‌باشند. لیکن، باید توجه داشت که علی‌رغم تبعات منفی بسیار زیاد این‌گونه جرم‌ها، مجریان باید مراقب حقوق دفاعی متهمان باشند و به بهانه‌ی تسریع، حقوق آنان را تضییع نمایند.

قانون‌گذار ایرانی در گستره‌ی قوانین و مقررات ملی، گاهی به‌منظور سرعت بخشیدن به چرخه‌ی عدالت کیفری، رسیدگی به برخی جرم‌ها مانند پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا و ارز را بدون رعایت تشریفات دادرسی تجویز نموده و بدین ترتیب، آیین دادرسی افتراقی در این زمینه پیش‌بینی نموده است و در تدوین آن از اصولی الهام گرفته و پیروی کرده که به‌واسطه‌ی آن، مصالح اجتماعی را بر حقوق متهمان ترجیح داده است به‌طوری‌که اعمال قواعد این‌گونه‌ی دادرسی، محکومیت سریع و قطعی متهم را به‌دنبال دارد. تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در این باره مقرر می‌دارد: «رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر نبوده...» با توجه به روح حاکم بر این قانون و سیاق عبارات به کار گرفته‌شده، صرفاً تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات

قاچاق اعم از کالا و ارز است (ساکی ۱۳۸۹: ۷۱). همچنین، ماده‌ی ۳۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ در این زمینه مقرر می‌دارد: «شکایات و دعاوی مربوط به فساد مالی باید در مراجع قضایی و اداری خارج از نوبت رسیدگی شود.» از این رو، رسیدگی خارج از نوبت نیز یکی از سازوکارهای تسریع در رسیدگی به جرم‌های جهانی به حساب می‌آید.

## ۲-۱. استثنایی (افتراقی) شدن دادرسی کیفری

امروزه با توجه به جهانی شدن بزه کاری و پیچیدگی و وسعت جرم‌های جهانی در نحوه و شیوه‌ی ارتکاب، مدل یکپارچه‌ی آیین دادرسی کیفری کارایی لازم را در جهت کشف، تعقیب، تحقیق و محاکمه از دست داده است. از این روست که بحث چند بخش و چندتکه شدن آیین دادرسی کیفری بر پایه‌ی شدت جرم همراه با قواعد متمایل به دفاع بهتر از جامعه در برابر بزهکاری و نیز، توجه به حق‌های دفاعی و حقوق بشر، پیش کشیده شده است. به باور ژان پرادل، (قوانین امروزی مانند) دو قانون پربن (فرانسه) «حاکمی از نوعی دادرسی با دو سرعت متفاوت است: تشدید برای جرم‌های شدید و آیین دادرسی ساده برای جرم‌های متوسط. بی‌گمان، این موارد مظهر چندتکه و چندبخش شدن آیین دادرسی است» (به نقل از: گسن ۱۳۸۵: ۳۴۶).

بدین سان، جرم‌های جهانی به منزله‌ی شکل‌های نوین بزهکاری، مستلزم آیین دادرسی‌های خاص خود می‌باشند. نمونه‌ی بارز این موضوع، فرآیندهای کیفری خاص (استثنایی) است که در کتاب چهارم قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه درج شده است (پرو ۱۳۸۴). مطابق آن، جنایت و جنحه-های نظامی، جرم‌های علیه منافع اساسی ملت، جرم‌های اقتصادی و مالی، جرم‌های علیه بهداشت، تروریسم، قاچاق مواد اعتیادآور غیرقانونی، جرم‌های جنسی، آلودگی آب‌های دریاها و جرم‌های سازمان‌یافته و بین‌المللی مشمول آیین دادرسی‌های استثنایی (خاص) می‌شوند (قانون دادرسی کیفری فرانسه ۱۳۸۸: ۴۵۰-۳۱۷). در نظام حقوقی ایران هم آیین دادرسی ویژه‌ی جرم‌های رایانه‌ای<sup>۱</sup> (تعقیب، تحقیق و ادله) در مواد ۷۷۹ تا ۷۶۰ قانون جرایم رایانه‌ای پیش‌بینی شده است.

افزایش مدت «تحت نظر» یکی دیگر از مسائلی است که در گذر جرم‌های جهانی به عنوان قواعد استثنایی دادرسی کیفری نمایان گشته است. تحت نظر قرار دادن<sup>۲</sup> فردی که احتمال وقوع

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: جلالی فراهانی، امیرحسین، درآمدی بر آیین دادرسی کیفری جرایم سایبری، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.

۲. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: اردبیلی، محمدعلی، نگهداری تحت نظر، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۰۲.

بزه از سوی وی وجود دارد، از جمله اقدام‌هایی است که برای پیشرفت بازجویی، مهم و اساسی قلمداد می‌شود. اگرچه برابر قواعد عمومی، مدت تحت‌نظر قرار دادن، مدت‌زمان کوتاهی است که باید در یک مدت معقول انجام شده و تنها یک‌بار (برای نمونه مطابق قانون دادرسی کیفری فرانسه) قابل تمدید است، علی‌رغم این قاعده‌ی عمومی، قانون‌گذاران، مدت تحت‌نظر را برای برخی از جرم‌های مهم افزایش قابل‌ملاحظه داده است. برای نمونه، ماده‌ی ۷۰۶-۸۸ قانون دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۲۰۰۴ در این ارتباط بیان کرده است که مدت تحت‌نظر بودن برای جرم‌هایی که در ماده‌ی ۷۰۶-۲۳ قانون دادرسی کیفری فرانسه (جنایات و جنحه‌های سازمان‌یافته مندرج در مواد ۲۲۱-۴، ۲۲۲-۴، ۲-۵-۲۲۴، ۹-۳۱۱ و ۸-۳۲۲ قانون مجازات عمومی فرانسه؛ جنایات و جنحه‌های تروریستی مندرج در ۱-۴۲۱ تا ۵-۴۲۱ قانون مجازات عمومی فرانسه) ذکر شده می‌تواند در دو نوبت ۲۴ ساعته‌ی دیگر تمدید شود؛ بنابراین، درحالی‌که مدت تحت‌نظر بودن اشخاص برای جرم‌های عادی با احتساب یک نوبت تمدید حداکثر ۴۸ ساعت است در مورد جرم‌های جهانی مانند جرم‌های تروریستی و سازمان‌یافته، علاوه بر ۴۸ ساعت اولیه تا ۴۸ ساعت دیگر نیز قابل تمدید است، یعنی می‌توان مدت تحت‌نظر در این جرم‌ها را حداکثر ۴ روز کامل دانست.

در نظام حقوقی ایران، ماده‌ی ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در خصوص جرم‌های عادی مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری... در جرایم مشهود... حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت‌نظر نگهداری...» نمایند و «... مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت ... تعیین تکلیف می‌نماید...». ملاحظه می‌شود که در این ماده، اشاره‌ای به مدت تحت‌نظر در جرم‌های جهانی نکرده است. باوجود این، تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ در این زمینه دقیق‌تر عمل کرده‌اند. مواد مختلف این قانون مانند مواد ۵۳-۴۶ از واژه‌ی تحت‌نظر استفاده نموده است و در زمینه‌ی افزایش مدت تحت‌نظر در جرم‌های مهم (جهانی) نظیر جرم‌های سازمان‌یافته و موادمخدر و روان‌گردان در تبصره‌ی ماده‌ی ۴۸ آمده است: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرم‌های سازمان‌یافته، ... موادمخدر و روان‌گردان ... تحت‌نظر قرار گیرد تا یک هفته پس از شروع تحت‌نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.» اگرچه به‌صراحت به افزایش مدت تحت‌نظر در خصوص جرم‌های جهانی اشاره نکرده، لیکن باوجود این می‌توان این افزایش مدت را از عبارت «یک هفته پس از شروع تحت‌نظر» استنباط نمود. نکته‌ی حائز اهمیت و البته موجب نگرانی صاحب‌نظران آیین دادرسی کیفری، این است که آیا در این وضعیت، حقوق بشر و حق‌های دفاعی متهم به‌طور واقعی رعایت می‌شود؟

## ۲. صلاحیت رسیدگی به جرم‌های جهانی

رسیدگی به جنایات بین‌المللی و جهانی مستلزم وجود نهادهای قضایی استاندارد با نیروهای متخصص و متبحری است که توانایی تحلیل قوانین و مقررات پیچیده حقوق حاکم بر جنایات بین‌المللی را داشته باشند. در چنین فضایی و به‌منظور جبران کاستی‌های فوق، نهاد دیوان کیفری بین‌المللی به‌منظور کمک و مساعدت به اجرای عدالت کیفری داخلی تشکیل گردیده است. حتی در مواردی که به‌دلیل وجود تعارض در اعمال صلاحیت کیفری کشورها، رسیدگی به جنایات بین‌المللی به تأخیر افتاده یا غیرمقدور می‌گردد دیوان با صلاحیت فراسرزمینی به اختلافات کشورها پایان داده و می‌تواند مرجع بی‌طرفی برای اعمال صلاحیت باشد. از این رو، دیوان به‌نوعی تکمیل‌کننده‌ی نواقص حقوق کیفری داخلی به‌ویژه در ارتباط با استانداردهای لازم برای جرم‌انگاری جرم‌های جهانی، چگونگی ساختار تشکیلاتی و سازمانی، صلاحیت کیفری و نحوه‌ی رسیدگی عادلانه در خصوص مرتکبان جرم‌های جهانی محسوب می‌گردد. مقابله با جرایمی با گستره و عرصه‌ی جهانی نیازمند عزمی جهانی و بسیج کلیه‌ی توانایی و انرژی جهانی است و دیوان به‌تنهایی قادر به انجام این وظیفه نیست. به‌همین دلیل است که در اساسنامه، صلاحیت تکمیلی برای دیوان پیش‌بینی شده است.

شایان توجه است که معیارها و ضوابط جرم‌انگاری مستنبط از اساسنامه‌ی دیوان شامل شدت و وخامت جرایم، داشتن خاصیت عرف بین‌المللی<sup>۱</sup>، سازمان‌یافته و گسترده بودن، مغایرت با منافع کل جامعه‌ی بشری، وقوع در زمان‌های بحرانی و غیرمعمول و داشتن انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، امکان توسعه‌ی جرایم تحت صلاحیت دیوان را در آینده و نسبت به اعمال و رفتارهای جدید مغایر وجدان جمعی جهانی فراهم می‌نماید (جعفری ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۶۷). تدوین‌کنندگان اساسنامه‌ی رُم با درک ضرورت فوق در مواد انتهایی آن، چگونگی الحاق جرایم جدید به فهرست جرایم تحت صلاحیت دیوان و چگونگی تحصیل اجماع بین‌المللی و جهانی در خصوص موضوعات جدید را یادآوری نموده و فرآیندی را برای آن در نظر گرفته‌اند (ماده‌ی ۱۲۱).

بدین‌سان، از آنجایی که در دوران معاصر، دیوان کیفری بین‌المللی تنها مرجع دایمی جهانی با صلاحیت تکمیلی رسیدگی به جنایات شدید در گستره‌ی جهان است و از طرفی، نظام حقوقی ایران صرفاً به امضای آن اکتفا نموده است، ضروری است قبل از اشاره به بحث اصلی،

۱. مقصود از ویژگی عرف بین‌المللی در جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی، مقبولیت و پذیرش عمومی و جهانی اوامر و نواهی ناشی از آن است؛ یعنی تحقق اجماع بین‌المللی (موافقت دولت‌ها) و جهانی (موافقت و همراهی جامعه‌ی مدنی جهانی) در جرم محسوب نمودن اعمال و اقدامات زبان‌بار علیه انسان‌ها و جوامع بشری. (بنگرید به: جعفری، فریدون، دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری (تعامل یا تقابل)، تهران، انتشارات میزان ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۱).

مختصری راجع به دیوان و لزوم الحاق ایران بدان پرداخته شود.

## ۱-۲. الحاق به دیوان کیفری بین‌المللی

جهانی شدن منجر به ایجاد معضل مشترک و همگانی برای کل جهان گردیده و سبب انسجام و هم‌گرایی جامعه‌ی جهانی برای غلبه بر معضلات خطر (جرم) های جهانی شده است؛ زیرا منطبق بر مقتضیات زندگی انسانی وقتی که انسان‌ها با خطر مشترک مواجه می‌گردند تا از بین بردن ریشه‌های آن، اختلافات را کنار گذاشته و مساعی خود را صرف مقابله با خطر مشترک می‌نمایند. در ارتباط با حقوق بشر و بشردوستانه، جهانی شدن منجر به ایجاد معضل و خطر مشترک گردیده و در اواخر دهه ۱۹۹۰ سبب وحدت و هماهنگی میان جهانیان در قالب شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی برای غلبه بر معضلات مشترک جهانی شد (همان ۱۱۷).

در سال‌های پایانی سده‌ی بیستم، سده‌ای که به دلیل شدت و گستره‌ی جنایت‌های ارتكابی در آن به‌عنوان «قرن خشونت» نامیده شده، تلاش‌های بشرمحوری با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی برای مقابله با جنایات شدید بین‌المللی جامه عمل پوشید. امروزه، ۱۱۹ کشور، اساسنامه‌ی دیوان مزبور را تصویب کرده‌اند.<sup>۱</sup>

دیوان - که تنها دادگاه جهانی است که حکم مجازات برای ناقضان حقوق بنیادین بشر صادر می‌نماید- به‌واقعیت مسلم و انکارناپذیر حقوق بین‌الملل کیفری و تعاملات جهانی منطقه‌ای و ملی تبدیل شده و کشورها چه عضو و چه غیر عضو نمی‌توانند خود را از تبعات و پیامدهای مختلف آن مصون نگه‌دارند، بلکه همانند اغلب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم‌الرعایه در سطح جهانی و بین‌المللی که علی‌رغم میل باطنی صاحبان قدرت و حاکمیت‌ها به دلیل ضرورت زندگی در جو جهانی بر آن‌ها تحمیل شده است، دیوان و مقررات آن نیز به‌طور مسلم تغییراتی را در سیستم‌های حقوقی و کیفری و حتی سیاست‌پردازی آن‌ها ایجاد می‌نماید. بسیاری از نویسندگان دیوان کیفری بین‌المللی معتقدند که دیوان توانایی ارباب و بازدارندگی جامع‌ومانعی در تعقیب جنایات بین‌المللی همانند سیستم‌های داخلی در مقابله با جرایم داخلی دارد، خواه با تهدید به تعقیب مستقیم به‌وسیله‌ی خود دادگاه یا با تهدید به محاکمه‌ی غیرمستقیم توسط محاکم داخلی کشورهای عضو.

اساسنامه‌ی دیوان به‌عنوان متغیر بسیار تأثیرگذاری در ایجاد هماهنگی و انسجام نظری و مبنایی در خصوص تجمیع مساعی جهانی در مبارزه با جنایات شدید بین‌المللی است و در

۱. شایان‌ذکر است که صرف امضا در حقوق بین‌الملل در خصوص معاهداتی چون اساسنامه‌ی رم که نیازمند تصویب و تصدیق هستند، فاقد اثر حقوقی الزام‌آور است و تعهدی برای تصویب نهایی ایجاد نمی‌نماید و گرنه در همان ابتدای تصویب اساسنامه، ۱۳۹ کشور و از جمله جمهوری اسلامی ایران (در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۰) اقدام به امضای آن نمودند.

جهانی‌سازی حقوق کیفری از لحاظ نظری مؤثر بوده است (همان ۲۶)؛ بنابراین، نظام‌های حقوقی از جمله ایران در راستای مبارزه با برخی جرم‌های جهانی ناگزیر از پذیرش اساسنامه‌ی دیوان می‌باشند.

## ۲-۲. برجسته‌شدن صلاحیت جهانی<sup>۱</sup> دادگاه‌های ملی

«صلاحیت جهانی در شمار نهادهایی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد و گاه آن‌ها را مکلف می‌کند که در مبارزه علیه جنایات بین‌المللی به موازات اقدامات دادگاه‌های بین‌المللی در این عرصه پیشگام باشند. دولت‌ها می‌توانند بر پایه‌ی چنین صلاحیتی آمران و عاملان جنایات بین‌المللی را صرف نظر از محل وقوع این جنایات یا تابعیت جنایتکاران یا تابعیت قربانیان جرم تعقیب و مجازات کنند» (اردبیلی ۱۳۹۰: ۱۴).

بدین‌سان، اصل صلاحیت جهانی نشان‌دهنده‌ی وجه اشتراک جامعه‌ی جهانی در اعلام انزجار از برخی اعمالی است که در گوشه و کنار جهان ارتکاب می‌یابند و احساسات همه‌ی افراد بشر را صرف نظر از تابعیت مرتکب، معنی علیه و محل وقوع آن جریحه‌دار می‌سازند. ضرورت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمان و همچنین، تأمین و تضمین نظم عمومی بین‌المللی، از مهم‌ترین مبانی ایجاد اصل مذکور محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، با ارتکاب جرم‌های جهانی نظیر دزدی دریایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و غیره، نه فقط نظم عمومی کشور خاصی، بلکه نظم عمومی بین‌المللی مختل می‌شود. برای این منظور است که دولت‌ها از طریق قراردادها و معاهده‌های چندجانبه متعهد می‌شوند که اگر مرتکبان یکی از این جرم‌ها در کشور آن‌ها دستگیر شد او را تعقیب و مجازات نمایند.

بنابراین، دولت‌ها نه تنها قادر به اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرم‌های فاحش بین‌المللی هستند، بلکه در برخی موارد دارای تعهد به اعمال صلاحیت مزبور و اعطای صلاحیت رسیدگی به محاکم داخلی خود نیز می‌باشند. این نوع از تعهد به اعمال صلاحیت جهانی در برخورد با جرم‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از مصادیق اصلی همکاری بین‌المللی دولت‌ها است. دیباچه‌ی اساسنامه‌ی

۱. اصل صلاحیت جهانی عبارت از توسعه‌ی صلاحیت اعمال قوانین کیفری یک کشور در رسیدگی به جرم‌های بین‌المللی است، درجایی که مجرم موضوع آن بر اساس هیچ‌کدام از اصول صلاحیتی دیگر (اصول سرزمینی، شخصی، مبتنی بر تابعیت معنی علیه و واقعی) قابل تعقیب توسط دادگاه‌های آن کشور نباشد. لازم به ذکر است در این موارد، تنها معیار صلاحیت، «محل دستگیری مجرم» است؛ بنابراین، صلاحیت جهانی که صلاحیتی مبتنی بر دستگیری است، صلاحیتی فرعی به‌شمار آمده و فقط در صورتی که صلاحیتی عالی‌تر وجود نداشته باشد اعمال می‌گردد. (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: پورباقرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۸۸: ۲۰۲-۱۵۷).

دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد «وظیفه‌ی هر دولتی است که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسئول جنایات بین‌المللی هستند اعمال کند». از این رو، سهم نظام‌های قضایی ملی در مبارزه با جرم‌های جهانی و پایان دادن به پدیده‌ی بی‌کیفری را نمی‌توان نادیده گرفت و با تأسیس یک مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی نمی‌توان از وجود آنان بی‌نیاز بود (همان ۱۶).

مطابق ماده‌ی ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰<sup>۱</sup> و ماده‌ی ۹ و تبصره‌ی ماده‌ی ۳۶ قانون جدید مجازات اسلامی<sup>۲</sup>، دادگاه‌های ایران، صلاحیت جهانی برای رسیدگی به جرم‌هایی را که دارای وصف بین‌المللی است دارند. به عبارت دیگر، موارد مذکور جرایمی هستند که یا به دلیل داشتن ویژگی عرف بین‌المللی یا برخورداری از معاهده‌ی الزام‌آور و جهانی، دولت‌های جهان به استناد اصل صلاحیت جهانی بدون این که ارتباطی مستقیم با آن‌ها داشته باشد می‌توانند به آن‌ها رسیدگی نمایند. برای نمونه، در خصوص دزدی دریایی ماده‌ی ۱۰۵ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای آزاد مصوب ۱۹۸۲ که شبیه ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون دریای آزاد مصوب ۱۹۵۸ است مقرر می‌دارد: «در دریاهای آزاد یا در هر مکان دیگری که خارج از قلمرو حاکمیت هر دولتی است هر دولت می‌تواند کشتی یا هواپیمای دزد دریایی یا کشتی یا هواپیمای گرفته‌شده از طریق دزدی دریایی و تحت کنترل دزدان دریایی را توقیف کرده و ضمن دستگیری دزدان دریایی، اموال روی عرصه‌ی کشتی را هم توقیف کند. دادگاه‌های کشور دستگیرکننده می‌توانند نسبت به مجازات‌هایی که باید تحمیل شود، تصمیم بگیرند...». دولت‌هایی هم که عضو کنوانسیون نیستند از جمله ایران، می‌توانند بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، چنین ادعایی را داشته باشند (Kenneth 1988: 792). سایر

۱. ماده‌ی ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود، اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد». شایان ذکر است که صلاحیت جهانی برای دادگاه‌های ملی، ابتدا به صورت عرفی منحصر به دزدی دریایی بود و لیکن امروزه، دامنه جرم‌های تحت شمول صلاحیت جهانی گسترش یافته است. برای نمونه، جرایمی همچون جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی، نژادپرستی، هواپیماری، گروگان‌گیری و غیره مذکور در اسناد و کنوانسیون‌های جهانی نظیر کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ۱۹۴۹ ژنو، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون ۱۹۷۹ منع گروگان‌گیری، اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۰ را می‌توان نام برد.

۲. ماده‌ی ۹ و تبصره‌ی ماده‌ی ۳۶ قانون جدید مجازات اسلامی:

- ماده‌ی ۹: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که یافت شود محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد».

- تبصره‌ی ماده‌ی ۳۶: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه‌ی ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی منتشر می‌شود:

۱- رشاء و ارتشاء؛ ۲- اختلاس؛ ۳- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ ۴- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری؛ ۵- تبانی در معاملات خارجی؛ ۶- اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ ۷- تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت؛ ۸- جرائم گمرکی؛ ۹- قاچاق کالا و ارز؛ ۱۰- جرائم مالیاتی؛ ۱۱- پول‌شویی؛ ۱۲- اختلال در نظام اقتصادی کشور؛ ۱۳- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

جرم‌هایی که موضوع صلاحیت جهانی ایران قرار دارند عبارت‌اند از: تجارت برده (موضوع ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲)، جرم‌اشاعه و خرید و فروش نشریات مستهجن (موضوع قرارداد بین‌المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله‌ی نشریات مستهجن مصوب ۱۹۲۳ ژنو که ایران هم در سال ۱۳۰۹ به آن ملحق شده است)، اعمال غیرقانونی علیه هواپیمایی کشوری (موضوع کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه هواپیمایی کشوری مصوب ۱۹۷۱ که دولت ایران در سال ۱۳۵۲ به آن ملحق شده است)، جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران دیپلماتیک (موضوع کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران دیپلماتیک مصوب ۱۹۷۳ - الحاقی ایران در سال ۱۳۵۷)، جنایت آپارتاید (موضوع کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ - و تصویب سال ۱۳۶۲ در ایران) و قاچاق مواد مخدر (موضوع کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ - تصویب سال ۱۳۷۰ در ایران). شایان ذکر است که کنوانسیون‌های مذکور ضمن تصریح به مجرمانه بودن اعمال موضوع خود، اعضا را متعهد کرده‌اند که اعمال مذکور را در قوانین خود مجرمانه قلمداد کرده و برای این اعمال طبق صلاحدید خود مجازات‌هایی را وضع کنند و همچنین، همگی به صلاحیت کشور محل دستگیری مجرم که معیار اصل صلاحیت جهانی است، تصریح کرده‌اند.

با ظهور و فزونی جرم‌های جهانی و نبود یک محکمه‌ی جهانی صالح به رسیدگی به گونه‌های مختلف این جرم‌ها (به جز دیوان کیفری بین‌المللی در چهار جرم ذاتی بین‌المللی آن‌هم به صورت تکمیلی<sup>۱</sup>)، دولت‌های ملی ناگزیر از وضع و اعطای صلاحیتی فراملی برای دادگاه‌های داخلی هستند؛ چراکه، صلاحیت‌های ملی فاقد توانایی و سازوکارهای لازم در جهت رسیدگی به جرم‌های جهانی هستند.

اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی نسبت به متهمان جرم‌های بین‌المللی را نباید با اصل همکاری دولت‌ها در مبارزه با جرم‌های بین‌المللی بی‌ارتباط دانست. اصل صلاحیت جهانی به هر یک از دولت‌ها اجازه‌ی تعقیب متهمان به ارتکاب جرم‌های بین‌المللی را می‌دهد که نه در قلمرو آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند، نه از اتباع آن‌ها هستند، نه به منافع حیاتی و اساسی آن‌ها تجاوز کرده‌اند و نه علیه اتباع آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند. شایان ذکر است که دیوان کیفری بین‌المللی زمانی صالح به رسیدگی به جرم‌های بین‌المللی است (صلاحیت تکمیلی) که دادگاه‌های داخلی

۱. در مقدمه و ماده‌ی ۱ اساسنامه‌ی دیوان، به این‌که صلاحیت «دیوان...مکمل صلاحیت‌های کیفری ملی خواهد بود» اشاره شده است.



«مایل» یا «قادر» به رسیدگی نباشند (ماده‌ی ۱۷ اساسنامه‌ی دیوان)؛ بنابراین، در وهله‌ی نخست این حق و شاید وظیفه دولت‌ها است که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال نمایند (الکساندر سیسیلیانوس ۱۳۸۶: ۲۴۱-۲۲۵).

بر اساس اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، حق تقدم در رسیدگی به جنایات بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان از آن دادگاه‌های ملی است و این امر باعث می‌شود که حریم اصل اعمال صلاحیت دادگاه‌های ملی محفوظ بماند. به‌ویژه تلاش اساسنامه در ایجاد موازنه میان صلاحیت ملی دولت‌های عضو و صلاحیت دیوان، باعث شده است که اهتمام دادگاه‌های داخلی به اصل صلاحیت جهانی بیش‌ازپیش توسعه یابد (زمانی، ۱۳۸۵، ۳). این امر در راستای تصریح مقدمه‌ی اساسنامه‌ی دیوان است که یادآور شده «این وظیفه‌ی هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسئول جرم‌های بین‌المللی هستند اعمال نماید».

### نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن به‌عنوان فرایندی که در حوزه‌های مختلف شتون زندگی انسان‌ها مطرح شده، با توجه به توسعه‌ی بزه‌کاری در سطح بین‌المللی، در حوزه‌ی علوم جنایی نیز به‌عنوان یک ضرورت قابل‌طرح است. انقلاب و پیشرفت‌های صنعتی و علمی، رشد پدیده‌ی شهرسازی و شهرنشینی، ایجاد تسهیلات تدریجی در امر ارتباطات، حمل‌ونقل کالاها و رفت‌وآمد انسان‌ها میان کشورها سبب شده است که کشورها به‌ویژه از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم به این‌سو، با افزایش جرایم و اشکال نوین بزه‌کاری مواجه شوند. به‌نحوی که امروزه، شرایط ناامنی دایمی مانند تهدیدهای تروریستی، اقتصادی و غیره در سرتاسر جامعه به‌عنوان بستری برای پرورش بسیاری از اشکال جرایم و همچنین، عامل تعیین‌کننده‌ی واکنش شدید نسبت به کج‌رفتاری‌ها به‌شمار می‌رود.

بنابراین، یکی از پیامدهای منفی جهانی‌شدن ناظر به تحولات عرصه‌ی بزه‌کاری است. جهانی‌شدن بر تغییر طبع و ماهیت جرم‌ها تأثیرگذار است. روند روزافزون تحولات اجتماعی، صنعتی، فنی و تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و تسهیل تعاملات انسانی منجر به پیدایش شکل‌های نوینی از بزه‌کاری شده‌اند که با شکل‌های سنتی جرم‌ها متفاوت بوده و افزون بر اختلال در نظم و امنیت ملی موجب برهم خوردن امنیت جهانی نیز می‌شوند. این‌گونه جرم‌ها را می‌توان جرم‌های جهانی نامید که اوصافی همچون سازمان‌یافتگی، شدید و وخیم بودن، پیچیدگی در وقوع، فرامرسی بودن و توسل توأمان به خشونت و نیرنگ، آن‌ها را متصف به این

وصف می‌نمایند. بر این پایه، امروزه جهانی شدن، این اندیشه را که جرم «پدیده‌ای محلی» است، به شدت تغییر داده است. این تغییر به روش‌هایی در حال انجام است که هنوز به صورت دقیق و کامل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. اگرچه جرم به عنوان یک واقعه، همیشه مؤلفه‌ی محلی عمده-ای دارد، زیرا نوعاً مخاطب آن قربانیان محل وقوع حادثه هستند، اما امروزه هر چه بیشتر در حال تبدیل شدن به یک «پدیده‌ی فراسرزمینی» است.

جهانی شدن جرم، تأثیر انکارناپذیری بر عرصه‌های مختلف زندگی بشر مانند عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی دارد. افزون بر این، تلاش برای مقابله با جرم‌های جهانی، موقعیت دیگری در جهت تضييع حقوق و آزادی‌های افراد ایجاد نموده است.

تغییر مفهومی اصول سنتی عدالت کیفری و فرآیند اجرای صحیح قانون و تمایل به سمت امنیتی-نظامی کردن حقوق کیفری از جمله نشانه‌های بارز جهانی شدن جرم به حساب می‌آیند. در کنار این موارد باید، شدت بخشیدن به اقدامات نظارتی، تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تر در خصوص مظنونان به ارتکاب جرم‌های جهانی، اعطای صلاحیت‌های بیشتر به پلیس از سوی سیاست‌گذاران کیفری ملی را افزود. بدین سان و در نتیجه‌ی جهانی شدن جرم و تغییر و تحول در استراتژی نظام‌های کیفری ملی، تعادل میان آزادی‌های مدنی و صلاحیت دولت به نفع دولت برهم می‌خورد. به دیگر سخن، برای محدود یا فسخ کردن آن دسته از اصول، استانداردها و مقررات آیین دادرسی کیفری سنتی که سد راه پیش‌دستی در مقابل منابع ایجاد خسارت هستند، قوانین جدید تصویب شده و برای قوانین فعلی کاربرد و استفاده‌های جدید تعیین می‌گردد. منطبق حاکم بر این تحول آن است که برای حفظ نظم اجتماعی، نظم قانونی باید شکسته شود.

جرم‌های جهانی با ماهیت و ویژگی‌های پیچیده و نیز، آثار و تبعات منفی گسترده و جبران‌ناپذیری که دارند، نظام‌های حقوق کیفری ملی از جمله ایران را به سمت چاره‌اندیشی جدی در راستای شناخت و تبیین هر چه بیشتر این گونه جرم‌ها و اتخاذ سازوکار و پاسخ‌های مقابله با آن‌ها سوق داده است. به عبارت دیگر، جرم‌های جهانی از آنجایی که امنیت و نظم عمومی جهانی و به تبع آن نظم و امنیت ملی را به چالش می‌کشند، از این رو، دولت‌ها در راستای تأمین و تضمین صلح و امنیت و نظم عمومی جهانی مبادرت به جرم‌انگاری‌های جدید و اتخاذ تدابیر و سازوکارهای مؤثر نموده و از طرف دیگر، با تدارک دیدن تشکیلات ویژه و تخصصی و آموزش دادن قضات و سایر کنشگران نظام عدالت کیفری در مقام مبارزه با این پدیده‌ی ضداجتماعی برمی‌آیند.

در قلمرو حقوق کیفری شکلی، نظام حقوق کیفری ایران تحت تأثیر جهانی شدن جرم با تغییر

و تحولاتی در اصول و قواعد مواجه شده است. ارتباط نزدیک این گونه جرم‌ها با مسئله‌ی حاکمیت ملی و نظم عمومی، دغدغه‌ی قانون‌گذاران را در زمینه‌ی رعایت تضمینات دادرسی از میان برده است. از این رو، به موازات آن که اصلاحات قواعد دادرسی در سایر جرم‌ها در راستای گسترش تضمینات قرار داشته، هدف اصلی در زمینه‌ی جرم‌های جهانی، تحدید تضمینات دادرسی بوده است. معکوس شدن بار اثبات دلیل، عدم شمول قاعده‌ی مرور زمان، استثنایی (خاص) شدن آیین دادرسی، تخصصی کردن نهادهای رسیدگی‌کننده، اعطای اختیارات وسیع به پلیس، محدود یا محروم کردن متهمان از حقوق دفاعی، پیش‌بینی حمایت‌های ویژه از بزه‌دیدگان و غیره از تبعات جهانی‌شدن جرم در قلمرو آیین دادرسی کیفری به‌شمار می‌روند.

## منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۰)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- آشوری، محمد، بشیریه، حسین، هاشمی، سیدمحمد و یزدی، عبدالمجید (۱۳۸۳)، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران، انتشارات گرایش.
- آقابابایی، حسین و عباسی، مراد، «حریم خصوصی، فضای مجازی و چالش‌های پیش‌گیرانه فراروی ناجا»، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره‌ی ۱۷، سال ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «نگهداری تحت‌نظر»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «صلاحیت جهانی»، در: حقوق بین‌الملل کیفری (گزیده مقالات ۲)، تهران، انتشارات میزان.
- اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۶)، *جرایم سازمان‌یافته‌ی فراملی*، تهران، انتشارات میزان.
- الکساندر سیسیلیانوس، لیون، «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایات بین‌المللی»، ترجمه‌ی سیدعلی هنجنی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۴۶، سال ۱۳۸۶.
- اُتلف، رنالد، «رهیافت جرم‌شناختی و بزهدیده‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)»، ترجمه‌ی علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۳۹، سال ۱۳۸۳.
- بل، سوزان (۱۳۸۹)، *دانش‌نامه‌ی پلیس علمی*، ترجمه‌ی مهدی نجابتی و علی شایان، تهران، انتشارات سمت.
- بوریگان، ژان، *تحولات اخیر سیاست جنایی فرانسه*، ترجمه ناصرعلی منصوریان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵، ۱۳۸۷.
- پرو، روزبه (۱۳۸۴)، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه‌ی شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، تهران، انتشارات سلسبیل.
- پرادل، ژان، (۱۳۷۳)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسن نجفی ابرنآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پورباقرانی، حسن (۱۳۸۸)، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، انتشارات جنگل.
- پیکا، ژرژ (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی*، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری، فریدون (۱۳۹۰)، *دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری (تعامل*

- یا تقابلی)، تهران، انتشارات میزان.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۸)، *درآمدی بر آیین دادرسی کیفری جرایم سایبری*، تهران، انتشارات خرسندی.
- خالقی، علی (۱۳۸۸)، *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، انتشارات شهردانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷)، «بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری»، در: خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات گنج‌دانش.
- خزانی، منوچهر، (۱۳۷۳) *اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴ و ۱۵، پاییز ۱۳۷۲ تا تابستان
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۹۰)، *واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم*، ترجمه‌ی پیمان نمایان، تهران، انتشارات میزان.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، «آیین دادرسی کیفری افتراقی در قبال جرایم مواد مخدر»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *بار اثبات در امور کیفری*، تهران، انتشارات سمت.
- زمانی، سیدقاسم، «صلاحیت جهانی: نقطه‌ی پایانی بر بی کیفری جرایم بین‌المللی»، مجله‌ی ایرانی حقوق بین‌الملل (الکترونیکی)، شماره‌ی ۱، سال ۱۳۸۵.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *حقوق کیفری اقتصادی*، تهران، انتشارات جنگل.
- شمس ناتری، (۱۳۸۰)، *سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان‌یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل*، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- *قانون دادرسی کیفری فرانسه (۱۳۸۸)*، ترجمه‌ی عباس تدین، تهران، انتشارات روزنامه‌ی رسمی.
- گسن، رمون، «ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری»، ترجمه‌ی شهرام ابراهیمی، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۵۶ و ۵۷، سال ۱۳۸۵.
- مشکینی، علی، (۱۳۷۶)، *اصطلاحات الاصول و معظم ابعاثها*، قم، انتشارات الهادی،
- مجیدی، سید محمود، *جلوه‌های ظهور کیفری امنیت‌مدار در فرانسه*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰)، *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*، تهران، انتشارات میزان.

- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران، انتشارات دادگستر.
- نجفی‌توانا، علی و فدایی، حسن، «الزام افراد عادی به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه‌ی فقه و حقوق، شماره‌ی ۱۹، سال ۱۳۸۷.

Ahmad Karrofi, Usman and Mwanza, Jason, Globalization and crime, Bangladesh e-journal of sociology, Volume 3, Number 1, January 2006. –

- Becker, Jeffrey S. 'A legal war on terrorism', Depaul Law Review, Vol.53, 2003-2004.

- Delmas-marty, M. & Spencer, J.R. (eds), European Criminal Procedure, Cambridge:CU, 2002.

- Kenneth, C. Randal, 'Universal Jurisdiction under International Law', Texas Law Review, Vol.66, 1988.

-Katja Franko Aas, Globalization and Crime, SAGE Publications, 2007, University of Oslo, Norway.

- Schabas, William. A. 'General principles of criminal law in the international criminal court statute', Eur. J. Crime Criminal Law & Criminal Jus, 1998, No.6, p.103

- M. Cherif Bassiouni, Globalization and Its Impact on the Future of Human Rights and International Criminal Justice و published June 2015, ISBN 9781780683300.

- paul c. Friday, Globalization and the impact on crime, corruption and justice, plywaczewski, E.W. (Ed) 2009, current problems of penal law and criminology, Bialystok, Poland: Temida.